

بررسی وزن اشعار سعیدا نقشبندی یزدی*

دکتر محمد رضا نجاریان^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

چکیده:

سعید نقشبندی یزدی، متخلص به «سعیدا»، از شاعران غزلسرای سبک هندی یا اصفهانی قرن یازدهم هجری است. او خود را ریزه خوار خوان جامی، نظامی، سنایی و عطار دانسته، ارادت‌سی خاص به خواجۀ شیراز می‌ورزید و با صائب تبریزی، مراوده و دوستی داشت. دیوان سعیدا حاوی ۴۸۱۵ بیت در ۵ قالب: غزل، قصیده، مثنوی، قطعه و رباعی است؛ اما غزل‌سرایی عرصه هنری مسلم اوست؛ به طوریکه حجم زیادی از دیوانش را به این قالب اختصاص داده است (۵۹۰ غزل). از نظر سبک شناسی می‌توان سعیدا را در غزل شاعر بحر رمل دانست، بحرهای مضارع و مجتث و هزج در مرحله بعد از آن قرار دارند. در اغلب غزل‌هایش از پرکاربردترین اوزان شعر فارسی بهره جسته است مثل رمل مثنی‌محدوف و مضارع مثنی‌مکفوف محدود. البته چند غزل در وزن ضربی و تند یا خیزابی و پر تحرک به چشم می‌خورد که عواطفی شورانگیز و پر جذبه و حال همچون غزلیات قلندری مولانا را تداعی می‌کنند.

بحرهای غزل سعیدا جز رجز و مقتضب، در قصاید او هم دیده می‌شود. او مثنوی را در بحر سریع و قطعه را فقط در بحر مجتث، خفیف و مضارع سروده است. در رباعی بیشتر از بحر هزج مثنی‌مخرب مقبوض آزل استفاده کرده است. در دیوان سعیدا اوزان دوری کمی دیده می‌شود و غالب اوزان او «جویباری» و «ملازم» اند.

در این مقاله سعی بر این است تا با کمک جدولهای آماری دقیق، اوزان رایج و کم کاربرد بحرهای اشعار سعیدا معرفی و تحلیل شود و جایگاه او در سبک هندی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: سعیدا نقشبندی، شعر سبک هندی، موسیقی بیرونی، بحرهای عروضی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۵/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۱/۲۵

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده: reza_najarian@yazd.ac.ir

مقدمه

موسیقی شعر به چهار نوع تقسیم شده است: موسیقی بیرونی، کناری، درونی و معنوی؛ اما گروهی سه نوع موسیقی را در شعر تشخیص داده اند: وزن، قافیه و تناسب حروف یا موسیقی درونی شعر» (فرشیدورد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱). موسیقی بیرونی در شعر فارسی شامل اوزان عروضی (کمی و ایقاعی)، نیمایی (آزاد)، پوشیده (سپید) و وزن عرضی است. در وزن عروضی تکیه بر کمیت هجاها و تساوی و تشابه ارکان یا افاعیل عروضی در شعر است. اوزان عروضی به اوزان کوتاه، متوسط ثقیل، متوسط خفیف، بلند ثقیل و متناوب یا دوری تقسیم شده اند.^۱ «اوزان دوری از خوش آهنگ ترین اوزان شعری اند و قسمت اعظم زایایی عروض فارسی بر عهده این اوزان است؛ زیرا با ترکیب ارکان مختلف می توان اوزان تازه ای ساخت.» (شمیسا، ۱۳۷۲، ص ۶۲) شفیعی کدکنی اوزان شعر را به خیزابی، جویباری، شفاف و کدر تقسیم می کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۵) اوزان خیزابی تند و شادند و اوزان جویباری و وزن های آرام و ملایم. اوزان شفاف نیز شامل دو وزن خیزابی و جویباری می شود؛ اما اوزان کدر شامل وزنه های ثقیل است که تشخیص آن دشوار است.^۲ فرشیدورد با توجه به کار آماری مسعود فرزاد از اوزان فارسی، پر استعمال ترین اوزان را زیباترین آنها می داند و می گوید: سه وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلات»، «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن» و «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» زیباترین وزن های شعر فارسی هستند؛ از اینرو بهترین قصاید و غزلیات و قطعات بر این سه وزن آمده اند. (فرشیدورد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۷۵)؛ اما وزن رباعی روان ترین صورت شعری در زبان فارسی است که مردم فارسی زبان ترانه های خود را بر آن آهنگ و وزن ساخته اند و شادی ها و غم های خود را با آن وزن و هارمونی بیان داشته اند (مسگرنژاد، ۱۳۷۰، ص ۶۵). در شعر فارسی علاوه بر اوزان کمی که مبتنی است بر نظم میان هجاهای کوتاه و بلند، اوزانی وجود دارد که فقط از تعدادی هجای بلند تشکیل می شوند و به آنها اوزان ایقاعی می گویند.^۳

وحیدیان کامیار با تأکید بر هماهنگی موضوع و وزن، اوزان و مفاهیم، شعر فارسی را به شش دسته تقسیم می‌کند: ۱. اوزان نرم و سنگین که در معانی مانند مرثیه، هجران، درد، حسرت و گله به کار رفته است: «فعالتن فعالتن فعالتن فعلن (فع لن)». مفاعلهن فعالتن مفاعلهن فعلن (فع لن). مفعول فاعلات مفاعیل فاعلهن». ۲. اوزان ضربی و تند که معانی شور انگیز و پرجذبه و حال را القا می‌کند: «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن. مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن». ۳. وزن حماسی: «فعولن فعولن فعولن فعل» ۴. اوزان برهانی و جدلی مناسب معانی پند و اخلاق و حکمت: «مفعول مفاعیل فاعلاتن. مفعول مفاعلهن مفاعیلن. مفعول فاعلات مفاعیل فع» ۵. اوزان تند و کوتاه برای مفاهیم شاد بویژه مثنوی هایی که مضمون شاد دارند با اشعار کودکانه ۶. اوزان دلنشین و شیرین و آرام که مناسب مضامین آرام بخش یا عاشقانه است: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن. مفاعیلن مفاعیلن فعولن. مفاعیل مفاعیل مفاعیل فعولن یا مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن». (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴، صص ۷۲-۷۴)

در باب اوزان رایج غزل و سیر تحول تاریخی آن تحقیقاتی به وسیله خانلری، ساتن، شمیسا و صبور انجام شده است. خانلری کاربرد بیست وزن پرکاربردتر را از قرن ششم تا قرن سیزدهم مورد بررسی قرار داده است و چگونگی و علل تغییر میزان کاربرد اوزان را در دوره‌های مختلف بیان کرده است. (خانلری، ۱۳۲۷، صص ۱۴۷-۲۰۶) صبور در کتاب «آفاق غزل فارسی» خصوصیات اوزان غزل و تحولات مربوط به آن را بیان نموده است. (صبور، ۱۳۷۰، ص ۵۶)

سعیدا نقشبندی یزدی از شاعران سبک هندی است که استادی خود را در سرودن شعر در ۵ قالب (غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی) مورد آزمایش قرار داده است. با توجه به اینکه پیرامون عروض اشعار سعیدا هیچگونه تحقیقی صورت نگرفته است؛ نگارنده در این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی سعیدا، وزن های موجود در دیوان سعیدا را با ارائه جدولهای آماری معرفی و تحلیل نماید.

سعیداً نقشبندی

سعید نقشبندی یزدی که در شعر خود گاه «سعید» و بیشتر «سعیدا» تخلص می کرد، از شاعران یزدی تبار قرن یازدهم هجری قمری و معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ.ق) است. او در فنّ نقشبندی که از مهارت‌های جنبی نسّاجی به شمار می رود مهارت تمام داشته است. قدیمی‌ترین کتابی که از او یاد کرده است، «تذکره نصرآبادی» است که در باب او چنین گفته است: «سعیدای یزدی با وجود پیری نهایت شوخی و زنده دلی داشت. در فنّ نقشبندی مهارت حاصل نموده، در فنّ شعر هم گاهی نقشی بر صفحه می بست. در اصفهان ساکن بود. چند پسر دارد که به شعر بافی مشغولند.» (نصرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۴). تذکره شمع انجمن در باب او نوشته است: «سعیدا نقشبند یزدی، نقشبند کارگاه خوش تراشی است و صورت آفرین هیولای خوش قماش و میرزا صائب او را به زبان ادب یاد می کند و می گوید:

این خوش غزل ز فیض سعیدای نقشبند صائب ز بحر دل به تأمل رسیده است
 او نزد اکابر وقت نیز معزز و محترم بوده است (بهادر، ۱۳۸۵، ص ۳۳۰). مؤلف «الذریعه» او را شاعری یزدی و ساکن اصفهان دانسته که در صناعت تصویر و نقوش و ابنیّه مهارت داشته و صائب او را مدح کرده و سعیدای نقشبند نامیده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ص ۴۵۲)

به صراحت می توان گفت که وی شاعری است مذهبی با مشرب‌بی عرفانی. این شاعر متدین دو مثنوی دارد که یکی تحمیدیّه ای است طولانی و دیگری در نعت رسول اکرم (ص). قصاید او نیز بیشتر در مدح پیامبر اکرم (ص) و خاندان مطهر ایشان بخصوص حضرت زهرا (س)، امام علی (ع) و امام رضا (ع) و امام مهدی (ع) است. بحر را با به کف گرفتن سبحة های مرجانی، مشغول ذکر خیر او می داند و شریعت او را فنا ناپذیر می خواند. شاه بیت قصیده اش این بیت است:

تو بر سریر سعادت بحسب با صد ناز که چاکران تو هر سو کنند سلطانی
 (دیوان، ص ۲۷۹)

سعیدا از جمله عارفانی است که به آیین تشیع با دیدی عمیق و خوش همچون یک شیعه پاک نگریسته است، در لابلای اشعارش رایحه طریقت نقشبندیه به مشام می رسد؛ ولی عقاید باطنی خود را بر مدار شیعه قرار داده است. سعیدا به حسین بن منصور حلاج و بابا فغانی ارادت داشت و در ابیاتی چند، خود را ریزه خوار خوان جامی، نظامی، سنایی و عطار می داند. او ارادتی خاص به خواجه شیراز داشته است. وجود تضمین هایی که از «حافظ» آورده و همچنین استفاده از ردیف های شعری او گویای این معنی است:

سعیدا سالها جان کند تا مشب به کام دل

مرید حافظ شیراز شد از خویش پنهانی

(همان، ص ۲۶۱)

میان سعیدا و صائب، مراوده و دوستی بوده است. صائب برای سعیدا غزلی زیبا می سراید که با اندک تغییر در دیوان سعیدا نیز وجود دارد و مطلع آن چنین است:

نور شکوه حق زمقابل رسیده است

وقت شکست آینه دل رسیده است

(همان، ص ۶۴)

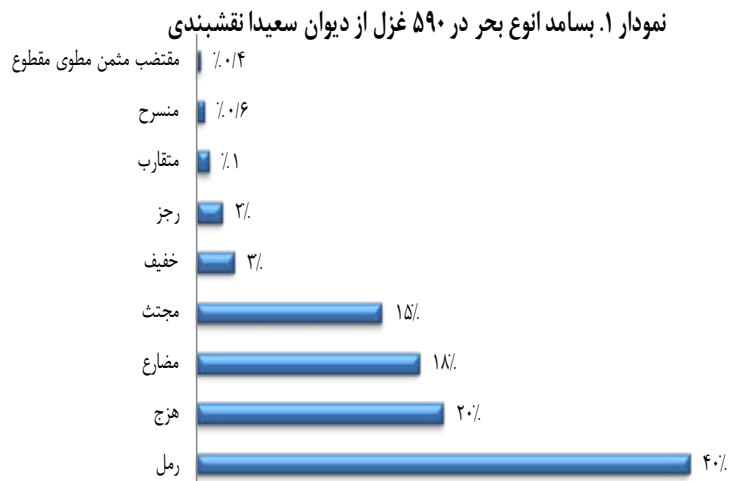
سعیدا به سبک هندی شعر می سرود و طبعاً ویژگی های این سبک در دیوان او به چشم می خورد؛ همچون نازک کاری و مضمون آفرینی، تعقید معنوی و تکرار قافیه و او شاعری است شایسته تحسین و غزلسرایی با سخن لطیف و صاف تر از آب روان و تخیل دقیق به دور از هجو و یاوه و سخن رکیک. از دیوان سعیدای نقشبندی سه نسخه موجود است که نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) ۴۸۱۵ بیت دارد. در انتهای آن، دو بیت از کاتب نسخه آمده است و عبارت «سوده الفقیر الحقییر یعقوب سمرقندی غفر ذنوبه، تمت» پیش از آن نوشته شده است (مقدمه دیوان سعیدا)

الف) غزلیات سعیدا نقشبندی یزدی

رایج‌ترین قالب شعری در دوره صفویّه غزل است و معمولاً حدود شش هفت بیت تا پانزده بیت است. اما غزل‌های درازتر نیز در دیوان‌ها دیده می‌شود و مایه وحدت ابیات غزل، بیشتر ردیف است. (غلامرضایی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۵). در غزل هندی تکیه اساسی بر مضمون یابی است و همین باعث ایجاد مضامین عجیب و غریبی در شعر است؛ اما کلاً از ابتدال به دور می‌ماند (شمیسا، ۱۳۶۹، ص ۱۸۱)

تخصّص و تبخّر اصلی سعیدا در این قالب به چشم می‌خورد و غزل‌سرایی عرصه هنری مسلّم اوست؛ به طوریکه حجم زیادی از دیوانش را به این قالب اختصاص داده است. غزل‌های سعیدا دلپذیر و حاوی افکار عاشقانه و تجلیات اندیشه‌های عرفانی است. وی از ترکیبات و الفاظ غزل عاشقانه به عنوان ظروف خوبی برای بیان مظهر عرفان بهره می‌گیرد. سعیدا در غزل از سعدی و حافظ پیروی کرده است و حال و هوای غزل‌های حافظ به مراتب بیشتر از شاعران دیگر در غزل‌های او جلوه‌گری می‌کند. دنیاگریزی و انزوای شاعر و انتقاد از حاکمان و زهاد ریایی زمان، ویژگی مشترک این دو شاعر است.

در دیوان سعیدا ۵۹۰ غزل با ۴۴۷۵ بیت دیده می‌شود که ۵۶۷ غزل با تخلّص سعیدا، ۱۱ غزل با تخلّص سعید و ۱۲ غزل بدون تخلّص است. اگرچه معمولاً غزل از هفت بیت کمتر و از چهارده بیت زیادتر نیست؛ غزلیات سعیدا گاهی به وجه بی‌سابقه‌ای خلاف این است. بلندترین و کوتاهترین غزل به ترتیب ۱۶ و ۳ بیتی است. البته به نظر می‌رسد گاهی غزل مطلع ندارد و ناقص است؛ مثل غزل ۳۷ در غزلیات او ۹ بحر به کار رفته است که با توجه به نمودار ۱، بحر رمل و مقتضب به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین بسامد را دارند:



۱. بحر رمل: (۲۳۷ غزل)

۱-۱ رمل مثنی محذوف/مقصور: (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن/فاعلان) ۱۳۳ غزل در این بحر سروده شده است: مثل غزل های شماره ۱۰، ۱۳، ۱۸، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۱.

کی فرنگی با مسلمانی نهانی می کند آنچه با ما آشکارا یار جانی می کند (دیوان، ص ۱۴۵)

۱-۲ رمل مثنی مخبون اصلم یا محذوف: (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن/فاعلان/فع لان)

۸۸ غزل در این بحر سروده شده است: مثل غزل های شماره ۳، ۲۶، ۲۷، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳.

مردمی، فهم، ادا، ترس خدا، رحم بجا

نازم آن چشم سیاه تو که دارد همه را

(دیوان، ص ۲)

چه غم از قبله و از قبله نما دارد عشق

که به هر گردش دل رو به خدا دارد عشق؟

(دیوان، ص ۱۹۳)

عهد کردم ز جهان کام نگیرم هرگز جم شود ساقی و من جام نگیرم هرگز

(دیوان، ص ۱۶۸)

۱-۳ رمل مَثْمَن مشکول (فعلات فعلاتن × ۲) غزل شماره ۲۷۵ و ۵۳۰ در این وزن

دوری سروده شده است:

چو به درد خوی کردی به دوا توان رسیدن

به قضا رضا چو دادی به خدا توان رسیدن

(دیوان، ص ۲۳۸)

۱-۴ رمل مسدس محذوف/مقصور: (فاعلاتن ، فاعلاتن ، فاعلن/فاعلان)

۱۴ غزل در این بحر سروده شده است؛ مثل غزل های شماره ۴۲۴، ۴۹۶، ۵۰۲،

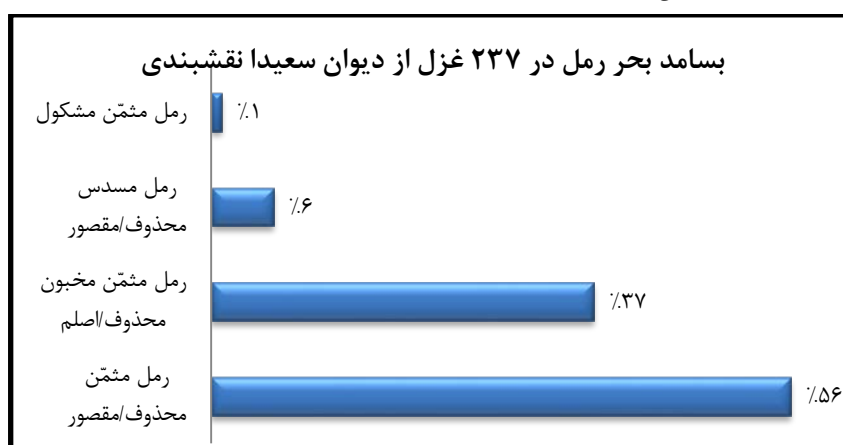
۵۲۰، ۵۶۱، ۵۶۴ و ۵۶۵؛

ما به کوی یار نالان می رویم سوی آن سلطان خوبان می رویم

(دیوان، ص ۲۳۳)

این وزن، دلنشین و باوقار است و برای سرودن مضامین پندآموز و عارفانه

است (زمانیان، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹)



باتوجه به نمودار ۲، بحر رمل مثنی محذوف/مقصور با ۵۶٪ تکرار از بالاترین بسامد برخوردار است و تنها دو غزل در بحر دوری «فعلات فاعلاتن، فعلا تفاعلاتن» است که ثابت می کند موسیقی شعر سعیدا در بحر رمل همچون حافظ و سعدی موسیقی بزمهای اشرافی است که نوازندگان می نوازند و خواننده میخواند.

۲. بحر هزج: (۱۲۰ غزل)

۲-۱ هزج مثنی سالم: (مفاعیلن ۴×) ۷۱ غزل مثل غزل های شماره ۱۲، ۲۳، ۲۹ تا ۱۹۰، ۱۸۰، ۱۰۶، ۵۲، ۳۱، در این بحر است:
الهی مگردان تا قیامت مشکل ما را

مکن چون لاله پیدا در جهان داغ دل ما را

(دیوان، ص ۴)

۲-۲ هزج مثنی اُخرب مکفوف محذوف یا مسیغ: (مفعول مفاعیلُ مفاعیلُ

/مفعولن / مفاعیل) ۳۴ غزل: مثل غزل های شماره ۳۵، ۳۹، ۵۱، ۶۳، ۶۷، ۱۰۴، ۲۱۸، ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۹۸، ۴۳۷؛

مردی که در این ره، دل آگاه ندارد در منزل صاحب نظران راه ندارد

(دیوان، ص ۱۱۲)

تا با تو از آن گوشه ابرو نظری هست سوز جگر و چشم تر و دردسری هست

(دیوان، ص ۷۲)

۲-۳ هزج مثنی اُخرب: پنج غزل شماره: ۲۳۳، ۲۸۲، ۴۸۶، ۵۸۴، ۵۸۹ وزن

دوری مفعول مفاعیلن ۲ × را دارند. در وزن دوری گاهی صامت اضافه در وسط

مصراع است که با حذف آن وزن صحیح می شود؛ مثل صامت میم در « دیدیم» :

کی دیده تر دارد سوزی که جگر دارد؟

ما در دل شب دیدیم فیضی که سحر دارد

(دیوان، ص ۱۰۷)

و مثل صامت «ز» در «امروز» از بیت زیر:

ایام بهار آمد، گل خیمه به صحرا زد آرام مگر امروز در خانه زین باشد

(دیوان، ص ۱۲۹)

۲-۴ هزج مسدس محذوف: (مفاعیلن ، مفاعیلن ، فعولن/فعولان)

۸ غزل در این بحر سروده شده: غزل های شماره ۶۴، ۷۹، ۸۸، ۱۰۳، ۱۵۵، ۲۹۹،

۵۲۱ و ۵۸۱.

منم نادان تو دانایی چه گویم ز حال دل که بینایی چه گویم

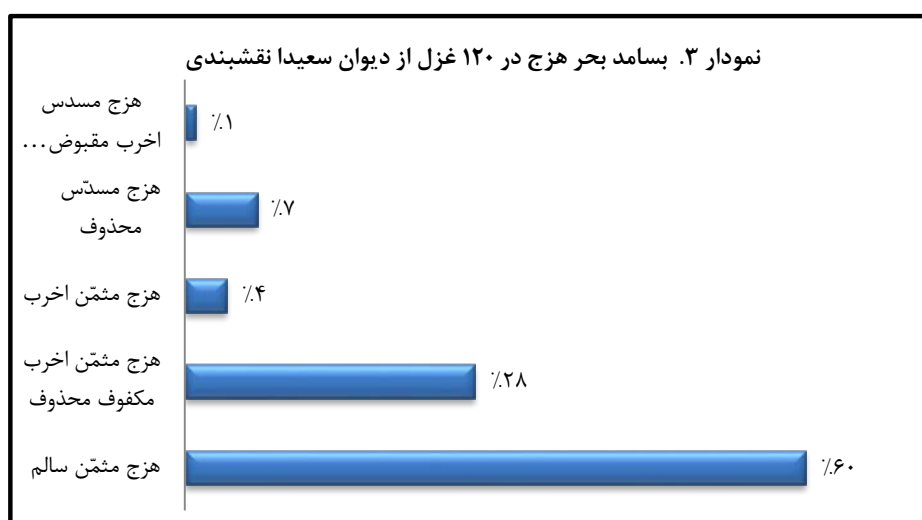
(دیوان، ص ۲۳۳)

۲-۵ هزج مسدس اخرب مقبوض مقصور: (مفعول مفاعلن فعولن) ۲ غزل

شماره ۱۴۸ و ۵۱۵:

ناخورده شراب ناب مستیم نادیده خدا خداپرستیم

(دیوان، ص ۲۳۰)



در بررسی غزلها در می یابیم که سعیدا در ۱۲۰ غزل از بحر هزج استفاده کرده ، از این تعداد بسامد هزج مثنیٰ سالم ۶۰٪ است و نکته دیگر اینکه ۷۶ غزل را با

موسیقی خیزابی و تند سروده است که چون موسیقی فولکلور پویا و پرجنبش است و از مشارکت جمع با دف و ضرب حکایت می کند.

۳. بحر مضارع: (۱۱۰ غزل)

۳-۱ مضارع مَثَمَن اِخْرَب مَكْفُوف مَحْذُوف/مَقْصُور(مَفْعُول فاعلاتُ مفاعیلُ

فاعِلن) ۱۰۰ غزل؛ مثل غزل های شماره ۱۷، ۳۶، ۳۸، ۴۴ تا ۴۷؛

ای خضر خو گرفته مذاقم به آب تلخ بهتر بود ز آب حیاتم شراب تلخ
(دیوان، ص ۹۷)

۳-۲ مضارع مَثَمَن اِخْرَب:(مَفْعُولُ فاعلاتن ۲×) ۱۰ غزل دوری؛ مثل غزل ۱۴۰،

۲۳۹، ۲۶۸، ۲۷۹، ۲۸۵، ۳۷۰، ۴۰۵ و ۵۸۸؛

طفل است یار و چشمش با ما نظر ندارد تا باده خام باشد با کس اثر ندارد
(دیوان، ص ۱۱۰)

۴. بحر مجتث (۸۷ غزل): سعیدا از بحرهای پرکاربرد مجتث بهره برده است.

۴-۱ مجتث مَثَمَن مَخْبُون(مفاعِلن فعلاتن ۲×) ۶ غزل شماره ۲۱۹، ۲۳۸، ۳۳۹،

۴۷۹، ۴۸۰ و ۵۵۹ در این بحر سروده شده

خوشا دلی که چو آینه جلوه گاه تو گردد

ز سر گذشته و چون زلف ، گرد ماه تو گردد

(دیوان، ص ۱۰۱)

از نکات برجسته وزن خیزابی سعیدا این است که هجای میانی دوری در میانه

کلمه است و به خوش آهنگی بیت کمک می کند؛ مثل آینه و زلف که بخش اول انتهای

هجای فعلاتن است و بخش دوم شروع هجای مفاعِلن. یا مثل : مگر خبر زدل خسته آن

نگار ندارد، هوای مشرب صافیدلان غبار ندارد، برای شیشه ما سنگ انتظار ندارد

(دیوان، ص ۲۳۸)

۴-۲ مجتث مثنیٰ مخبون محذوف/مقصور/اصلم مسبغ (مفاعلتن فاعلتن مفاعلتن
 فعلن/فاعلتن/فع لات) ۸۱ غزل در این بحر است: ۱، ۲۱، ۵۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۹۷، ۴۹۸،
 ۵۲۶، ۱۱۱، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۲، ۶۶، ۶۶؛

ز چنگ و عود شنیدم به گوشِ حال، نه قال

که آب بی تو حرام است، باده با تو حلال

(دیوان، ص ۱۹۹)

ز بس به راه تو دل بر سر دل افتاده است

گذشتن از سر کوی تو مشکل افتاده است

(دیوان، ص ۶۰)

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم با ۹۲٪ تکرار از بالاترین بسامد برخوردار است.

ضمنا وزن خیزابی در این بحر به شش غزل اختصاص یافته است.

۵. بحر خفیف: (۱۷ غزل): سعیدا بحرهای پرکاربرد خفیف را به کار برده است.

۵-۱ خفیف مسدس مخبون محذوف یا اصلم مسبغ: (فاعلتن مفاعلتن فعلن/فع

لن/فاعلتن) شانزده غزل شماره ۷۶، ۹۰، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۳۹، ۱۸۵، ۳۵۶، ۴۷۷ و ۵۸۷، ۱۱۵،

۱۶۹ و ۵۷۶، ۱۹، ۲۵، ۳۲۸ و ۳۴۱.

«عالم الغیب و الشَّهاده» تویی

واقف از زاده و نزاده تویی

(دیوان، ص ۲۶۲)

بهر اثبات ذات بیچون است

آنچه در شش جهات گردون است

(دیوان، ص ۵۵)

آسمان در سجود می آید

هر که از خود فرود می آید

(دیوان، ص ۱۵۵)

۵-۲ خفیف مسدس مخبون (فاعلتن مفاعلتن فاعلتن) فقط غزل شماره ۲۶۰ در

این بحر سروده شده است:

خرمی زاین دوروزه جان نتوان کرد خواب در راه کاروان نتوان کرد
(دیوان، ص ۲۶۰)
این بحر وزنی شاد دارد و محتوایی سرشار از حکمت و حقایق در آن فراهم شده
است.

۶. بحر رجز: (۷ غزل)

۶-۱ رجز مَثْمَن سالم: (مستفعلن ۴) غزل شماره ۱۱، ۱۶ و ۴۵۳

تا شد حکیمم عشق او، با درد شد الفت مرا

تا شد رفیقم درد او، رفت از سرم گرد هوا

(دیوان، ص ۸)

۶-۲ رجز مَثْمَن مَذال (مستفعلن \times ۳ مستفعلاتن) فقط غزل شماره ۸۳ در این

بحر است.

دارم بتی و سجده اش ای دل نهانی بهتر است

از هر چه گویم خوبتر وز هر چه دانی بهتر است

(دیوان، ص ۴۰)

این بحر از جمله بحرهای کم کاربرد رجز است

۶-۳ رجز مَثْمَن مطوی مخبون (مفتعلن مفاعلن \times ۲) سه غزل شماره ۴۴۰، ۵۵۱

و ۵۹۰

رهن یکی، رهین یکی، یار یکی، سخن یکی

کفر یکی و دین یکی، یار یکی، سخن یکی

(دیوان، ص ۲۶۵)

شش غزل در بحر رجز از اوزان خیزابی است که موسیقی غزلهای مولانا را تداعی

می کند.

۷. بحر متقارب: (۶ غزل)

۷-۱ متقارب مَثْمَنّ سالم: (فعولن × ۴) ۳ غزل شماره ۴۰، ۲۸۶ و ۳۲۳ از اوزان

دوری هستند

کسی گرد کوی تو گردیده باشد که صدبار سر زیر پا دیده باشد
(دیوان، ص ۱۳۱)

۷-۲ بحر متقارب مَثْمَنّ محذوف: (فعولن فعولن فعولن فعل) ۳ غزل شماره

۱۴۶، ۴۱۱ و ۴۶۳؛

ندیده کسی آنچه من دیده ام سرم گشت از بسکه گردیده ام
(دیوان، ص ۱۹)

این وزن، حماسی و رزمی است؛ البته بوستان سعدی با مضامین پند و اندرز در

این وزن سروده شده است.

۸. بحر منسرح: (۴ غزل): سعیدا از بحرهای پرکاربرد منسرح بهره برده است.

۸-۱ منسرح مَثْمَنّ مطوی مکشوف: (مفتعلن فاعلن × ۲) یک غزل در این

بحر دوری سروده شده: غزل شماره ۴۱۴

نیست گل الفتی در چمن اختلاط بوی جفا می دهد یاسمن اختلاط
(دیوان، ص ۱۸۷)

۸-۲ منسرح مَثْمَنّ مطوی منحور: (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع) سه غزل شماره

۳۳۷ و ۴۹۴ و ۵۷۲ در این بحر سروده شده

هر که در این در ز راه صدق درآید بایدش اوّل ز خویشتن به درآید
(دیوان، ص ۱۵۳)

۹. مقتضب مَثْمَنّ مطوی مقطوع: دو غزل شماره ۲۴ و ۱۱۶ در وزن دوری و

خیزابی و تند فاعلن مفاعیلن سروده شده است. این وزن دوری به صورت «فاعلات

مفعولن « نیز پایه نویسی می شود (فضیلت، ۱۳۷۸، ص ۹۸) و از جمله اوزان بسیار کم کاربرد است

نیت قران بستم طوف کوی جانان را هدیه می برم دل را نذر کرده ام جان را
(دیوان، ص ۱۲)

جدول ۱. مقایسه آماری وزن در غزل سعیدا با وزن غزل در سبک هندی و

وزن غزل فارسی

ترتیب در غزل سعیدا	وزن	فراوانی در غزل سعیدا	ترتیب در سبک هندی	فراوانی نسبی در سبک هندی	ترتیب در غزل فارسی	فراوانی نسبی در غزل فارسی
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۲	۱	٪۲۰.۱۲	۲	٪۱۴.۶
۲	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	۲۰	۳	٪۱۶.۰۹	۱	٪۱۴.۸
۳	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن/فعلان	۱۳.۶	۲	٪۱۶.۶۵	۳	٪۱۳.۵
۴	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن/فعلن	۱۳	۴	٪۱۲.۴۲	۴	٪۱۳.۵
۵	مفاعیلن ۴×	۱۲	۵	٪۱۰.۸۹	۵	٪۸.۴
۶	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن/فعولان	۵	-	-	۶	٪۶.۹
۷	فاعلاتن مفاعیلن فعلن/فعلان	۲.۱	۶	٪۴.۴۴	۸	٪۲.۹
۸	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲	۹	٪۲.۱۹	۱۱	٪۲.۲
۹	مفعول فاعلاتن ۲×	۱.۶	۱۰	٪۱.۸	۱۰	٪۲.۴

ترتیب در غزل سعیدا	وزن	فراوانی در غزل سعیدا	ترتیب در سبک هندی	فراوانی نسبی در سبک هندی	ترتیب در غزل فارسی	فراوانی نسبی در غزل فارسی
۱۰	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۱.۳	۷	٪۲.۳۹	۷	٪۳.۷
۱۱	مفاعیلن فعلاتن ۲×	۱	۱۴	٪.۳	۱۷	٪۱.۱
۱۲	مفعول مفاعیلن ۲×	۸	۱۶	٪.۱۲	۱۲	٪.۲
۱۳	مفتعلن مفاعیلن ۲×	۰.۵	۱۵	٪.۲۷	۱۵	٪۱.۳
۱۴	فعولن ۴×	۰.۵	-	-	۲۱	٪.۶
۱۵	فعولن فعولن فعولن فعل	۰.۵	-	ناچیز	۲۲	٪.۶
۱۶	مستفعلن ۴×	۰.۵	۱۱	٪.۹۱	۱۳	٪۱.۸
۱۷	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلاتن	۰.۵	-	-	-	-
۱۸	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع	۰.۵	-	-	۱۹	٪.۹
۱۹	فاعلات مفعولن ۲×	۰.۳	-	-	-	-
۲۰	فعلات فاعلاتن ۲×	۰.۳	۱۳	٪.۳۲	۱۶	٪۱.۲
۲۱	مفعول مفاعیلن فعولن	۰.۳	۸	٪۲.۲۳	۹	٪۲.۷
۲۲	مفتعلن فاعیلن ۲×	۰.۱	۱۲	٪.۳۸	۱۴	٪۱.۶
۲۳	فاعلاتن مفاعیلن فعلاتن	۰.۱	-	-	-	-

با دقت در جدول ۱ می توان دریافت که شش وزن پر کاربرد (اوزان گروه اول) که سعیدا ۸۵.۶٪ کل غزلهایش را در آنها سروده، همان شش وزن پر کاربرد غزل فارسی و ۵ وزن پر کاربرد غزل قرن یازدهم است با این تفاوت که بحر «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن»، که در تقسیم بندی خانلری ذکر نشده است، در اینجا در رتبه ششم است. نیز بحر «رمل مثنی محذوف/مقصور» در دیوان سعیدا در رتبه اول و «مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف/مقصور» در رتبه دوم است. اطلاعات اصلی جدول ۱ برگرفته از مقاله «بررسی آماری اوزان غزلهای بیدل دهلوی و مقایسه آن با وزن غزل فارسی و سبک هندی» چاپ شده در فنون ادبی، ۱۳۸۸ است و نگارنده آمار مربوط به سعیدا را به آن افزوده است.

جدول ۲. انواع بحر از نظر هجا

نوع وزن	بحر وزن و بحر	درصد کاربرد در غزل سعیدا
کوتاه	فاعلاتن مفاعیلن فعلن ، خفیف مخبون محذوف فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ، رمل مسدس محذوف مفاعیلن مفاعیلن فعولن ، هزج مسدس محذوف مفعول مفاعیلن فعولن ، هزج اخرج مقبوض محذوف فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن: خفیف مخبون	۲۱٪ ۲٪ ۱۳٪ ۳٪ ۱٪
متوسط خفیف	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن ، مجتث مخبون محذوف فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن ، رمل مثنی مخبون محذوف	۱۳۶٪ ۱۳٪
متوسط ثقیل	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ، رمل مثنی محذوف مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن ، مضارع اخرج مکفوف محذوب مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن ، هزج اخرج مکفوف محذوف	۲۲٪ ۲۰٪ ۵٪
بلند ثقیل	مفاعیلن × ۴: هزج مثنی سالم مستفعلن × ۴: رجز مثنی سالم	۱۲٪ ۵٪
بلند خفیف	فاعلاتن × ۴: رمل مثنی مخبون	-

٪۱.۶	مفعول فاعلاتن ۲×: مضارع مثنیٰ مخبون	متناوب
٪۱	مفاعلهن فاعلاتن ۲×: مجتث مثنیٰ مخبون	
٪.۸	مفعول مفاعلهن ۲×: هزج مثنیٰ اخرب	
٪.۵	مفتعلن مفاعلهن ۲×: رجز مطوی مخبون	
٪.۳	فاعلات فاعلاتن ۲×: رمل مثنیٰ مشکول	
٪.۳	فاعلات مفعولن ۲×: مقتضب مثنیٰ مطوی مقطوع	
٪.۱	مفتعلن فاعلهن ۲×: منسرح مطوی مخبون مکشوف	

باتوجه به جدول ۲ درمی‌یابیم که سعیدا نیز مانند دیگرشاعران سبک هندی به استفاده از اوزان کوتاه تمایل کمتری داشته است و تنها ۵/۸ درصد غزل‌های خود را در وزن‌های کوتاه سروده است. ۷۳/۶ درصد غزل‌های او در اوزان متوسط ثقیل و متوسط خفیف است. چون این وزن‌ها گنجایش بیشتری برای بیان مفاهیم و مضامین داشتند. استفاده از اوزان بلند ثقیل، بخصوص بحر هزج مثنیٰ سالم نیز در غزلیات سعیدا قابل توجه است. در میان ۵۹۰ غزل سعیدا، اوزان متناوب بسامد قابل توجهی ندارند(تنها ۴/۶ درصد).

ب) قصاید: (۱۱ قصیده)

شمارهٔ ابیات قصیده را بین بیست تا هفتاد و هشتاد بیت دانسته‌اند و برخی اشعار کمتر از بیست و بیشتر از هشتاد بیت را نیز قصیده نامیده‌اند. (همایی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲). از اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم، به تدریج زبان غزل زبان قصاید را از سختی و صلابت به نرمی و لطافت کشانیده است (غلامرضایی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۷). در دیوان سعیدا ۱۱ قصیده و در مجموع ۲۸۱ بیت است. بلندترین و کوتاهترین قصیده به ترتیب ۴۷ و ۱۴ بیت دارد. شاعر در سرودن قصاید خود تنها از ۶ بحر بهره برده است.

۱. مجتث (۳ قصیده)

۱-۱. مجتث مَثْمَن مَخْبُون محذوف: ۳ قصیده شماره ۸، ۱۰ و ۱۱ در این بحر سروده شده است.

ز خود تهی شده ام تا نوازیم به دمی چونِی اگر کنیم بند بند، نیست غمی
(دیوان، ص ۲۷۷)

۲. هزج (۳ قصیده)

۱-۲. هزج مَثْمَن اَخْرَب مَكْفُوف محذوف: ۳ قصیده شماره ۱، ۲ و ۷ در این بحر سروده شده است.

نقّاش قضا نسخه ابروی بتان را گویا که به تصویر کشیده است کمان را
(دیوان، ص ۲۶۷)

۳. رمل: (۲ قصیده)

۱-۳. رمل مسدّس مقصور: فقط قصیده شماره ۶ در این بحر است.
آن که خوانی نام او نفس بهیم در حقیقت اوست شیطان رجیم
(دیوان، ص ۲۷۳)

۲-۳. رمل مَثْمَن مَخْبُون اصلم: تنها قصیده شماره ۴ در این بحر است.
کی ز کوی تو سعیدا نفسی می شد دور گر خیال تو نمی داد دلش را دستور
(دیوان، ص ۲۷۰)

۴. بحر خفیف: (۱ قصیده)

۱-۴. خفیف مسدّس مَخْبُون مقصور: منحصرأ قصیده شماره ۳ در این بحر سروده شده است.

در تصوّر ز سر فتد دستار
بس بلند است قصر و خانه یار
(دیوان، ص ۲۶۸)

۵. بحر متقارب: (۱ قصیده)

۱-۵. متقارب مَثَمَن مقصور: قصیده شماره ۹

ز شوخی خطش غوطه زد در نگاه
که شد دیده را نورِ بینش سیاه
(دیوان، ص ۲۷۶)

۶. بحر مضارع (۱ قصیده)

۱-۶. مضارع مَثَمَن اُخْرَب مکفوف محذوف: فقط قصیده شماره ۵ در این بحر

است.

دانی که چیست بار ترازوی این دو دم

این پله اش حدیثِ حدوث است، آن قدم

(دیوان، ص ۲۷۲)

نمودار ۴. بسامد اوزان عروضی در ۱۱ قصیده از دیوان سعیدانقشبندی



با توجه به نمودار ۴، بحرهای هزج و مجتث هر کدام با ۲۷.۵٪ تکرار از بالاترین بسامد برخوردارند.

ج) مثنوی

مناسبترین بحوری که بزرگان شعر فارسی در مثنوی انتخاب کرده‌اند؛ متقارب، رمل و هزج بوده است (رزمجو، ۱۳۷۲، ۲۱). سعیدا از خود دو مثنوی و در مجموع ۱۰۱ بیت به یادگار گذاشته است. مثنوی نخست او با ۹۵ بیت درمناجات و ثنای باری تعالی و از شاهکارهای دیوان سعیدا است و از نظر شیوایی و روانی کلام در خور توجه است. مثنوی شش بیتی دیگر سعیدا به نعت سید المرسلین (ص) اختصاص یافته است. این دو مثنوی در بحر سریع مسدس مطوی است که از اوزان مشهور مثنوی و تند و شاد است و شاعران بزرگی مضامین پند و حکمت خود را در این وزن سروده‌اند.

۱. بحر سریع

۱-۱. سریع مسدس مطوی مکشوف: (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن) که وزنی تند، ضربی و خیزابی است. این وزن از اوزان خاص شعر عرب است و کمتر در زبان فارسی بدان توجه شده است. معروف ترین اثری که بدین وزن خلق شده، مخزن الاسرار نظامی است. نظامی در مخزن الاسرار حرف های حکمی و فلسفی خود را در این وزن مطرح کرده است که البته وی با توجه به محتوای کلام خود در انتخاب وزن بسیار ضعیف عمل کرده است. این وزن با توجه به مسدس بودنش از اوزان مثنوی است و در قصیده و غزل کاربردی ندارد:

بر در الله مقیمیم ما

بنده رحمان رحیمیم ما

(دیوان، ص ۲۸۰)

(د) قطعه

مهمترین مضمون قطعه، پند و اندرز و سخنان حکمی است. مضمون مدح نیز در قطعه و قصیده بیشتر استعمال می‌شود. (خالقی راد، ۱۳۷۵، ص ۵۰). در دیوان سعیدا، سه قطعه کوچک وجود دارد که دو قطعه، دو بیتی و قطعه سوم، شش بیتی است. مضمون قطعه نخست، پند و اندرز و در دو قطعه دیگر، شاعر به ترتیب به مدح و توصیف شام، مقام ابراهیم و بارگاه اسحاق ابن ادهم پرداخته است. این قطعات درسه بحر زیر سروده شده اند:

۱. مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف یا مقصور:

سر را بر آستانه فکر صفات نه زنهار پا دراز مکن از گلیم خویش
(دیوان، ص ۲۸۶)

۲. خفیف مسدس مخبون مقصور:

انبیا راست شام باغ و حریم شاهد او مقام ابراهیم
(دیوان، ص ۲۸۶)

۳. مجتث مثنیٰ مخبون مقصور / اصلم مسیغ:

ز ره رسید سعیدای دردمند و فقیر به طوف مرقد اسحاق ابن ادهم شاه
(دیوان، ص ۲۸۶)

(ه) رباعی در دیوان سعیدا:

رباعی شعری است دارای چهار مصراع با مطلع مصرع و وزن آن «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعْلُ» و زحافات آن است. (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۳۳۲). رباعی از حیث قافیه به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- رباعی مصرع که هر چهار مصراع آن دارای قافیه باشد ۲- رباعی خصی که مصراع سوم آن بدون قافیه است. (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۲۰). سعیدا از این قالب نیز بخوبی بهره برده و رباعیات نغز و دلنشینی از خود به یادگار گذاشته است.

دیوان سعیدا ۱۴۶ رباعی دارد که ۱۲۳ عدد آن، مردّف است. و در ۲۰ رباعی مصراع سوم دارای قافیه است: مثل رباعی شماره ۱۴۰، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶.

ای دل نفسی صاحب عـرفان نشدی

بر درد کسی هیچ تو درمان نشدی

چون کشته به روی دوست حیران نشدی

صد حیف گذشت عید، قربان نشدی

(دیوان، ص ۳۱۵)

به ندرت هر چهار مصراع رباعی سعیدا ارزشی همپایه دارند. یکی از دلایلی که موجب همپایگی مصراع چهارم با دیگر مصراعهای رباعی می شود، آوردن قافیه در مصراع سوم است. به نظر می رسد نداشتن قافیه در مصراع سوم باعث ایجاد گره می شود و با گره گشایی در مصراع چهارم لذتی نصیب خواننده می گردد. (میرافضلی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۲). قافیۀ رباعی گاهی مثل رباعی زیر اشکال دارد:

او معنی معنی است که را آن معنی تا فهم کند معنی آن زان معنی

خواهی که رسی به معنی آن معنی خود را برسان به صاحب آن معنی

(دیوان، ص ۳۱۶)

ثقیل ترین اوزان شجرۀ اخرب، یعنی مخنق ابتر (مفعول مفاعیلن مفعولن فع)، شش سبب متوالی دارد و ثقیل ترین اوزان شجرۀ اخرم یعنی مخنق ابتر (مفعولن مفعولن مفعولن فع)، جمله اسباب است و در دیوان سعیدا دیده نمی شود. شایان ذکر است که در دیوان سعیدا ۱۴۷ رباعی دیده می شود که در ذیل عنوان شماره ۵، سه مصراع غزل در بحر رمل مثنی محذوف، سهوا در میان رباعیات ذکر شده است:

فکر ذاتش داشتم صورت به یـاد آمد مرا

.....

ربّ ارنی گفتم و موسی صفت رفتم به کوه

خواستم دیدار او حیرت به یاد آمد مرا

(دیوان، ص ۲۸۹)

در رباعیات سعیدا بسامد اخرب بیشتر از اخرم است و از ۱۴۶ رباعی تنها در شانزده رباعی هر چهار مصرع دارای یک وزن هستند.^۴ رباعی زیر در بحر هزج مثنیّ اخرب مقبوض ازلّ (مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاع) است:

ما منتهییم و مبتدا هم ماییم جام می و جام جم نما هم ماییم

آن جوّده و گندمی نما هم ماییم بیگانه نمای و آشنا هم ماییم

(دیوان، ص ۳۱۱)

وزن اصلی رباعی اخرب مقبوض مکفوف مجبوب است (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۲۷۱) که با توجه به جدول ۳ و نمودار ۵، در دیوان سعیدا دومین بسامد را دارد؛ ولی بحر اخرب مقبوض ازل بیشترین نقش را در رباعیات سعیدا ایفا می کند و در میان شجره اخرم، اشتر ابتر بسامد بیشتری دارد (مفعولن فاعیلن مفاعیلن فع). در رباعی زیر تنها مصرع سوم در بحر اخرب مکفوف مجبوب (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل) است و بقیه در بحر اشتر ابتر:

گر دل گویم تو را زجان می ترسم

ور جان خوانم هم از جهان می ترسم

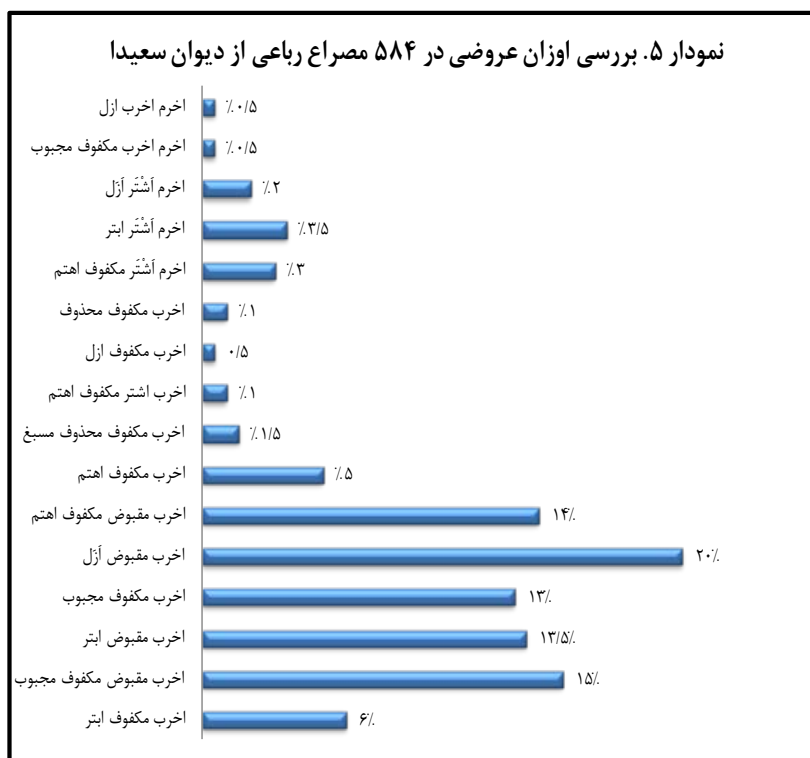
ای جان و جهان هر دو به قربان سرت

حق می گویم نه زین نه زان می ترسم

(دیوان، ص ۳۰۸)

جدول ۳. بررسی اوزان عروضی در ۱۴۶ رباعی از دیوان سعیدا نقشبندی			
تعداد	اخرم	تعداد	اخرب
۲۰	اخرم اشتر ابتر	۱۱۹	اخرب مقبوض ازل
۱۶	اخرم اشتر مکفوف اهتم	۸۸	اخرب مقبوض مکفوف مجبوب

۹	اخرم اَشْتَرُ اَزَل	۸۱	اخرب مقبوض مکفوف اهتم
۱	اخرم اخرب مکفوف محبوب	۸۰	اخرب مقبوض ابتر
۱	اخرم اخرب ازل	۷۶	اخرب مکفوف محبوب
		۴۴	اخرب مکفوف ابتر
		۳۲	اخرب مکفوف اهتم
		۸	اخرب مکفوف محذوف مسبغ
		۴	اخرب اشتر مکفوف اهتم
		۴	اخرب مکفوف محذوف
		۱	اخرب مکفوف ازل



و) تک بیت ها

۲۰ تک بیت در دیوان سعیداست که گاهی وزن مصراع هایش تشویش دارد؛ مثلثیت زیر که در بحر رمل مَثْمَن مقصور (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان) است و ترکیب « تیز ترا» شاید به صورت « تیز پرترا» صحیح باشد:

کشت ما را انتظارت تیز ترا از نگاه در نظرهای رقیبان گو شود عالم سیاه

(دیوان، ص ۳۱۹)

بحر مجتث و رمل بیشتر است؛ همچون بیت زیر در بحر مجتث مخبون اصلم مسبغ (مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن):

ز خال پشت لب او تحیری دارم که این سپند در آتش چرا نمی سوزد

(دیوان، ص ۳۱۹)

جدول ۴. بررسی اوزان عروضی در ۲۰ تک بیت از دیوان سعید نقشبندی			
تعداد	وزن	تعداد	وزن
۱	مجتث مَثْمَن مخبون	۵	مجتث مخبون اصلم مسبغ
۱	هزج مَثْمَن اِخْرَب مکفوف مقصور	۵	رمل مَثْمَن محذوف یا مقصور
۱	هزج مَثْمَن سالم	۲	مضارع مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف
۱	هزج مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف مسبغ	۱	رمل مَثْمَن مخبون اصلم مسبغ
۱	هزج مَسْدَس محذوف یا مقصور	۱	خفیف مَسْدَس مخبون
		۱	مجتث مَثْمَن مخبون اصلم مُسبِغ

اوزان جویباری و خیزابی

سعیدا در غزل به اوزان مهجور و کم کاربرد رو نمی آورد و اغلب غزل های او از پرکاربردترین اوزان شعر فارسی است که گوشنوازترین و دلنشین ترین اوزان اند و از گروه اوزان نرم و سنگین، رام و آرام و « جویباری » و ملایم اند و با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، ساختار عروضی افاعیل و موسیقی درونی در آنها مناسب معانی و حالات و کیفیاتی مانند سوگ، غم و اندوه، هجران، درد و حسرت و گله است. از پرکاربردترین اوزان در غزل های سعیدا بحر مضارع مثنی مکفوف محذوف (مفعول^۱ فاعلات^۲ مفاعیل^۳ فاعلن) است که آن را درگروه اوزان جویباری و ملایم قرار داده اند. چند غزل در وزن ضربی و تند یا خیزابی و پر تحرک به چشم می خورند که عواطفی شورانگیز و پر جذبه و حال را القا می کنند.

کیفیت هجاها

هجاهای شاد عبارتند از: دو هجای کوتاه میان دو هجای بلند «مُفْتَعِلُن»، دو هجای کوتاه بعد از هجای بلند «مُسْتَفْعِل»، هجاها متناوب و در آغاز هجای کوتاه «مَفَاعِلُن». هجاهای سنگین و ناشاد عبارتند از: دو هجای بلند بعد از دو هجای کوتاه «فَعْلَاتُن»، هجاها متناوب و در آغاز هجای بلند «فَاعِلَات». سعیدا، با کاربرد هجاهای کوتاه یا بلند یا کشیده که در شعرش بیشتر محسوس باشد، خواننده را در حالت های گوناگونی که می خواهد با خود همراهی می کند؛ مثلاً در شعر ذیل، وجود هجاهای بلند و کشیده سبب می شود حصاری از اندوه، خواننده را در برگیرد؛ زیرا «تأمل محتاج سکون و آهستگی است. هجاهای بلند در بافت شعر با چنین حالتی سازگار است» (یوسفی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۳). در بیت زیر تنها یک هجای کشیده وجود دارد اما هجای بلند آن نسبت به کوتاه با توجه به بحر هزج (مفاعیلن × ۴)، ۱۲ به ۴ است.

صدای خستگان جان و دل اندوهگین سوزد

که نی را خانه خالی ز آواز حزین سوزد

سعیدا زیر خاک اندیشه دارد لاله داغش

مبادا سرکشد یکبارگی روی زمین سوزد

(دیوان، ص ۱۲۴)

شاعر با به کار بردن هجاهای کوتاه در بحر خفیف (فعالتن مفاعلهن فعلن)، آرزوها و هیجانان نفسانی خود را بسیار زیبا را به تصویر کشیده است، هرچند هجای کشیده هم در بیت وجود دارد:

حرف آن لب شنفتمن هوس است سخن از باده گفتنم هوس است

عمرها غنچه خسب باید بود نفسی گر شکفتنم هوس است

(دیوان، ص ۴۴)

نتیجه گیری

با دقت کامل در دیوان سعیدا پیرامون موسیقی بیرونی شعر او نتایج زیر حاصل

شد:

سعیدا در غزل از بحرهایی همچون: رمل، هزج، رجز، متقارب، مضارع، خفیف، مجتث، مقتضب بهره برده است و از متدارک استفاده نکرده است. از نظر سبک شناسی می توان سعیدا را در غزل شاعر بحر رمل دانست و هزج و مضارع و مجتث در مرحله بعد از آن قرار دارند. او از اوزان مهجور، غریب و نادر استفاده نمی کند و وزن اغلب غزل هایش از پرکاربردترین اوزان شعر فارسی است. پرکاربردترین اوزان غزل های سعیدا بحر رمل مثنی محذوف و مضارع مثنی مکفوف محذوف است. البته چند غزل در وزن ضربی و تند یا خیزابی و پر تحرک به چشم می خورد که عواطفی شورانگیز و پر جذبه و حال همچون غزلیات قلندری مولانا را تداعی می کنند.

۵.۸٪ غزلیات در بحر خفیف و رمل و هزج مسدس هستند که به دلیل تحرک و پویایی خاصی که دارند، زیبا هستند؛ ولی درصد بالای کاربرد مثنی خود نشانگر عظمت موسیقایی غزلهای شاعر است.

سعیدا در قصیده از بحرهای غزل جز دو بحر رجز و مقتضب استفاده کرده است. سعیدا مثنوی را در بحر سریع و قطعه را فقط در بحر فرعی همچون بحر فرعی قصیده اش (مجث و خفیف و مضارع) سروده است. در رباعی بیشتر از بحر هزج مثنی‌اخریب مقبوض ازل استفاده کرده است و در تک بیتها هم از دو بحر اصلی هزج، رمل و سه بحر فرعی مضارع، خفیف، مجث بهره برده است. به نظر می‌رسد سعیدا از سه بحر مجث و خفیف و مضارع بیشتر از بحرهای دیگر لذت می‌برد.

در دیوان سعیدا اوزان دوری کمی دیده می‌شود و غالب اوزان او «جویباری» و ملایم‌اند و با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، ساختار عروضی افاعیل و موسیقی درونی در آنها مناسب معانی و حالات و کیفیاتی مانند سوگ، غم و اندوه، هجران، درد و حسرت و گله است.

یادداشت‌ها:

۱. وزن کوتاه: وزنی که شماره هجاهای آن اندک است. وزن متوسط ثقیل: وزنی که شماره هجاهای آن نه کم است و نه زیاد؛ اما شماره هجاهای بلند آن نسبت به کوتاه بیشتر است. وزن متوسط خفیف: وزنی که شماره هجاهای آن نه کم است و نه زیاد؛ اما شماره هجاهای کوتاه آن نسبت به بلند بیشتر است. وزن بلند ثقیل: وزنی که هجاهای آن زیاد است و نیز نسبت هجاهای بلند به کوتاه بیشتر است. وزن متناوب و دوری: وزنی که از دو پاره مشابه تشکیل شده است و می‌توان در آنجا قافیه آورد، مکث کرد، یک یا دو صامت اضافه بر فرمول آورد. (شمیسا، ۱۳۷۲، ص ۶۱).

۲. اوزان جویباری از ترکیب نظام ایقاعی خاصی حاصل می‌شود که با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمی‌شود و ساختار عروضی افاعیل نیز در آنها به گونه‌ای است که رکنهای عروضی در آن عیناً تکرار نمی‌شوند؛ مانند "مفعول فاعلات" که رکنهای عروضی در آن عیناً تکرار نمی‌شوند؛ مانند وزن "مفعول فاعلات مفاعیلین فاعلن" اوزان خیزابی، وزنه‌های تند و متحرکی است که اغلب نظام ایقاعی

افاعیل عروضی در آنها به گونه ای است که در مقاطع خاصی، نوعی نیاز به تکرار را در ذهن ایجاد می کند؛ مانند وزن «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن». (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۳)

۳. در شعر فارسی از دیرباز اوزانی هست که برخلاف وزن کمی، فقط از تعدادی هجای بلند تشکیل می شوند. این اوزان را مشروط بر آن که هجاها به صورت یک یک یا دو دو یا سه سه تنظیم شده باشد «اوزان ایقاعی» می نامند. ابونصر فارابی اوزان ایقاعی را به موصل و مفصل یا متفاضل تقسیم می کند. (مدرسی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴). در وزن ایقاعی موصل زمان میان تک تک هجاها مساوی است؛ اما در وزن ایقاعی متفاضل هجاها به پایه های دوتایی، سه تایی تقسیم می شود و شاعران برای مشخص کردن این گونه تقسیم هجاها و به عبارتی برای نشان دادن فاصله زمانی میان هر چند هجا به ناچار از عامل مکث در شعر استفاده کرده اند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۳، صص ۳۳۳-۳۴۴)

۴. رباعی ش ۹ (اخر ب مکفوف ابتر)، ش ۱۰ (اخر ب مقبوض ابتر)، ش ۱۱ (اخر ب مقبوض مکفوف مجبوب)، ش ۲۲ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۲۳ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۲۴ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۲۸ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۴۴ (هزج مثنی اخر ب مکفوف محذوف مسبغ)، ش ۴۵ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۵۱ (اخر ب مقبوض ابتر)، ش ۶۳ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۱۱۱ (اخر ب مقبوض ابتر)، ش ۱۱۵ (هزج مثنی اخر ب مکفوف محذوف مسبغ)، ش ۱۱۶ (اخر ب مقبوض آزل)، ش ۱۳۳ (اخر ب مکفوف ابتر)، ش ۱۴۲ (اخر ب مکفوف محذوف)

منابع و مأخذ:

الف - کتابها

۱. بهادر، محمد صدیق حسن خان، (۱۳۸۵)، شمع انجمن، تصحیح و تعلیقات محمد کاظم کهدویی، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
۲. خالقی راد، حسین، (۱۳۷۵)، قطعه و قطعه سرایی در شعر فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. خانلری، پرویز نائل، (۱۳۶۱)، وزن شعر فارسی، چاپ چهارم، انتشارات توس.

۴. _____، (۱۳۲۷)، تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. رزمجو، حسین، (۱۳۷۲)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، جلد دوم، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. زمانیان، صدرالدین (۱۳۷۴)، بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)، تهران، بنیاد جانبازان.
۷. سعیدا نقشبندی، سعید، (۱۳۸۷)، دیوان، به کوشش رضیه رضایی، تهران، انتشارات ثریا.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، موسیقی شعر، چاپ دوم، تهران، آگاه.
۹. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، سیر رباعی، چاپ دوم، تهران، فردوس.
۱۰. (۱۳۶۹)، سیر غزل در شعر فارسی، چاپ دوم، تهران، فردوس.
۱۱. (۱۳۷۲)، عروض و قافیه، چاپ نهم، تهران، فردوس.
۱۲. صبور، داریوش، (۱۳۷۰)، آفاق غزل فارسی، چاپ دوم، تهران، نشر گفتار.
۱۳. طهرانی، آقا بزرگ، (۱۴۰۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قسم ثانی من جزء التّاسع، بیروت، دارالاضواء.
۱۴. غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷)، سبک شناسی شعر فارسی (از رودکی تا شاملو)، تهران، جامی.
۱۵. فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸)، درباره ادبیات و نقد ادبی، جلد اول و دوم، چ سوم، تهران، امیر کبیر.
۱۶. فضیلت، محمود (۱۳۷۸)، آهنگ شعر فارسی، تهران، سمت.
۱۷. مدرسی، حسین (۱۳۸۰)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض، تهران، سمت.
۱۸. مسگرنژاد، جلیل (۱۳۷۰)، مختصری در شناخت علم عروض و قافیه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۹. نصرآبادی، میرزا محمد طاهر (۱۳۱۷)، تذکره نصرآبادی، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، ارمغان.
۲۰. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۴)، وزن و قافیه شعر فارسی، چ چهارم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۱. همایی، جلال الدین (۱۳۷۰)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ دوم، تهران، توس.
۲۲. یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۳)، چشمه روشن، چ سوم، تهران، علمی.

ب- مقالات

۱. خانلری، پرویز، (۱۳۳۲)، «موسیقی الفاظ»، سخن، دوره ۵، ش ۳، صص ۱۶۱-۱۶۶.
۲. فرزاد، مسعود، (۱۳۴۹)، «مجموعه اوزان شعر فارسی»، مجله خرد و کوشش، دفتر چهارم، شیراز، صص ۵۸۳ - ۶۵۱.
۳. کمالی، مهدی و محمدکاظم کهدویی، (۱۳۸۸)، «بررسی آماری اوزان غزلهای بیدل دهلوی و مقایسه آن با وزن غزل فارسی و سبک هندی»، فنون ادبی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۴. میرافضلی، سیدعلی، (۱۳۷۵)، «نگاهی به سیر رباعی در شعر فارسی»، معارف، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۳۰۳-۳۲۹.
۵. وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۶۳)، «اوزان ایقاعی در شعر فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۲، صص ۳۲۳-۳۴۸.